

پهلوانان مندرس پوش جهادی در زور خانه ارگ کابل !

من متهم میکنم! (۱)

پیوسته به گذشته قسمت دوازدهم :



محمد امین فروتن

مرگ سیاه و شوم پرسرنوشت ملتی سایه می افکند که به هرنگی تن میدهند تازنده بمانند .

« فرانتیس فانون دانشمند الجزایری تبار فرانسه »

این نخستین بار نیست و (آخرین بار هم نخواهد بود) که با خواننده گان عزیز در تحلیل وریشه یا بی همه جانبه مسائل و معضلات تحت بحث مان و از همه اول همانا بیان مُشَرَح و انتقادی که مرثیه گونه بر تابوت زنده یاد مارشال محمد قسیم فهیم آغاز کرده ایم نیمه تمام گذشته میشود و بجای آن مسائل تازه و بکری را مورد بررسی میگیریم ، باز هم خدا را شاکر باید بود که اکثریت خواننده گان عزیزی از این قلم از اندوخته ها و نکته دانی های فراوان علمی و پژوهشی برخوردارند که به قول شاعر « سرم فدای حریف نکته دانی که سخن نه گفته باشی به سخن رسیده باشد » !! اما با این همه نه میتوان از خاتم بخشی های خلیفه صاحب ارگ که مقدراتی رئیس جمهور مردم افغانستان بود و اکنون و در قرن بیست و یکم به زور خانه ای از پهلوانان مندرس پوش جهادی ها و غیرجهادی ها مبدل گشته است و به روایت خبر موثق از زورخانه یعنی ارگ شریف پهلوانان دعوت شدند و نشستند



و پس از تنعم و تناول « من و سلوای!! » زورخانه تمامی دارائی های منقول و غیرمنقول مارشال صاحب فقید را ترکه نمودند و به زعم اهالی زورخانه و براساس فورمول معروف " نصف لی و نصف لک " و در پرتو توجیه شرعی و مسخ آیه های صریح قرآنی مال های غنیمت شده ای از مارشال صاحب فقید را به حکم خدا از جمله عنایات الهی دانیستند و آنرا در انطباق با فرمان الهی قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ حساب فرمودند ...! وکلید دیوان و دفتر اش را به یکی از بزرگترین شرکای تجاری اش یونس خان قانونی که برای جلب ترحم توده های مظلوم سرزمین افغانستان همیشه با عصای چوبین راه میرود به امانت دوماهه واگذار کردند . تحلیلگران امور قانونگذاری در افغانستان دعوت این پهلوانان پخته ای مندرس پوش جهادی به زور خانه ای از ارگ قصر ریاست جمهوری در مغاشرت کامل قانون اساسی جدید افغانستان قرارداد ، البته رئیس جمهور افغانستان میتواند با هر شخصیت حقیقی و حقوقی ارتباط قائم کند اما هیچگاه نباید اینگونه روابط با شهروندان از محدوده مناسبات خصوصی به حوزه دولتی و ملی سرایت کنند . البته با کمال ادب و طلب پوزش از همه عزیزان خواننده این یادداشت باید گفت که جلالتمآب کرزی رئیس «اداره استخاره ای ارگ!!» تمامی ارزشهای ملی و تاریخی مردم افغانستان را از یک دید معیوب کدخدایی مینگرد و روی همین نگاه بیمار **پدرشاهی** است که درحوزه سرنوشت مردم افغانستان به رأی میلیونها شهروند اصیل جامعه افغانی که از سالهای سال در جغرافیای بنام افغانستان زندگی نموده اند و با تعرفه هویت واحد افغانی بنام اقوام و ملیت های سربلند ساکن در افغانستان مانند ، پشتون - تاجیک - ازبیک - هزاره - بلوچ - ترکمن و ده ها تعرفه دیگری زیسته اند اندکترین توجهی به خرج داده نه میشود . لهذا کاملاً طبیعی است میان بساط جامعه مدنی و مردم سالاری که نخستین لازمه اش پایبندی به قانون است و نظم پدرشاهانه و حامی پرور که بر پایه استبداد نرم افزاری استوار است در تقابل و تضاد با همدیگر قرار میگیرند . که حفظ مناسبات برخاسته از نگاه پدرشاهانه در دوره معاصر معمولاً از مکانیزم مافیائی سرمایه داری با پهن کردن بساط دروغ و تزویر بنا شده است ، زیرا در جوامع مدرن دموکراسی که با رعایت حقوق شهروندی ایجاد گردیده اند و بر برابری مدنی و سیاسی تأکید میورزد ، در حالیکه نظام پدرشاهی که به مؤلفه های مانند عدالت ، برابری و آزادی با نگاه تبعیضی نگریسته میشود ، شهروندان را عملاً به شهروندان درجه یک و درجه دو تقسیم میکنند . و این شیوه را بهترین شیوه برای رهبری ملتها به حساب می آورند .

لهذا نباید تعجب کرد که چگونه دموکراسی و مؤلفه های مانند آزادی بیان و حقوق بشر در حوزه زندگی مردم افغانستان با سنت و مذهب ساکنان این سرزمین بصورت کارتونی و طنزآمیز الحاق

یافته اند زیرا هر دو نهاد یعنی نهاد مذهب که از وجدان تاریخی باشندگان سرزمین باستانی آریانا ، خراسان و بالاخیره افغانستان برخاسته است همچون موم نخست در کوره های آتشین جهان صنعتی غرب ذوب شده و سپس به میل صاحبان شرکت های چند ملیتی و به اقتضای دموکراسی مافیائی و وارداتی حاضر در افغانستان و اکثر کشور های شرقی به قوت هواپیماهای B52 شاخچه بری گردید . تا با پیچ دموکراسی وارداتی مافیائی کاملاً انطباق داشته باشد .



اما کد خدای ارگ که سمبول نگاه پدرشاهی در افغانستان است براین هم بسنده نکرد و باردیگر برخی از هواداران صغیر و کبیر مارشال فقید را به زورخانه ارگ فراخواندند و برسم زندگی قبیلولی فرزند ارشد مارشال فهیم را جانشن پدرش در امور قومی برگزیدند مگر هیچکسی نه فهمید که این مقام استخاره ای جانشینی زنده یاد مارشال قسیم فهیم در امور قومی چگونه علی العجالة ایجاد شد و تنها شخص شهزاده ادیب خان فهیم نیز تنها چهره مناسبی برای احراز این مقام تشخیص گردید !!؟

چرا فاروق خان وردگ راست نه میگویند ؟

روز شنبه ۲ حمل ۱۳۹۳ آنگاه که آژیر آغاز سال نو تعلیمی باید بدست مبارک حضور اعلیحضرت حامد کرزی نواخته شود ..

[ادامه دارد](#)

۱ : از نامهای سرگشادهی امیل زولا emile zola خطاب به رئیس جمهور وقت فرانسه که در روزنامهی اورر (L'Aurore) چاپ شد. عنوان نامه بود: «من متهم می‌کنم!» ("J'Accuse"). این عنوان با حروف درشت تیتر اول روزنامه شد و به یک نماد تاریخی تبدیل گشت: نماد تعهد روشنفکرانه. ! در ۱۱۰ سالی که از انتشار این نامه می‌گذرد، مدام به آن استناد شده است، هر جا که در مورد وظایف روشنفکران سخن در میان است، هر جا که در مورد اهمیت رسانه‌ها و بحث در حوزه‌ی عمومی اندیشه و گفت‌وگو می‌شود از آن نامه به عنوان یک نماد روشنفکری یاد آوری شده است ..